

تحلیلی بر اثرات اعتبارات مقاوم سازی مسکن روستایی بر کارکرد تولیدی آن

مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان

بهروز محمدی یگانه*، مهدی چراغی**، لیلا اسلامی***

تاریخ دریافت مقاله:

1394/07/23

تاریخ پذیرش مقاله:

1394/11/10

چکیده

در نواحی روستایی، محیط مسکن علاوه بر سکونت، تجلی گاه شیوه های زیستی - معیشتی است که همواره با مشکلاتی چون کمبود یا نبود اعتبارات لازم، مقاوم نبودن مساکن روستایی، فرسودگی و وجود برخی کاستی ها مانند تداخل فضاهای زیستی و معیشتی مواجه بوده است. در طی چند دهه اخیر اعطای اعتبارات مقاوم سازی مسکن در جهت بهبود کیفیت مساکن روستایی در سطح گسترده ای اجرا شده است که موجب تحولات و دگرگونی هایی در عملکرد فضاهای مسکن گردیده است. سؤالاتی که مطرح می شود این است که آیا بین دریافت اعتبارات و کارکرد تولیدی مسکن ارتباطی وجود دارد؟ و آیا بین کارکرد تولیدی مسکن و گروه های شغلی تفاوت معناداری وجود دارد؟ هدف این مقاله بررسی تغییر و تحولاتی است که در نتیجه استفاده از اعتبارات مقاوم سازی مسکن بر کارکرد تولیدی مساکن روستایی به وجود آمده است. روش تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه ای و میدانی و بهره گیری از ابزار (پرسشنامه و مصاحبه) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، به صورت توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T جفت شده و آزمون کروسکال والیس) صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر 811 خانوار دریافت کننده اعتبارات در دوره زمانی 1384-1392 و در 8 روستای دهستان معجزات شهرستان زنجان می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 231 خانوار محاسبه گردید. یافته های تحقیق نشان می دهد رابطه معناداری میان کارکرد تولیدی مسکن و دریافت اعتبارات مقاوم سازی مسکن وجود دارد و میزان کارکرد تولیدی مساکن با آماره t برابر با 6.240 در زمان پس از دریافت اعتبارات کاهش یافته است. همچنین یافته های تحقیق نشان می دهد که تفاوت معناداری از نظر میانگین رتبه ای گروه های شغلی وجود دارد و گروه شغلی دامدار و کشاورز بعد از دریافت اعتبارات بیشترین تغییر و کاهش را در کارکرد مساکن خود داشته اند. با بررسی فضاهای موجود در مساکن روستایی دهستان معجزات، بیشترین فضای مساکن روستایی بعد از اجرای طرح مقاوم سازی مسکن و همراه با مدرن شدن مساکن روستایی به تبعیت از سبک و الگوی مسکن شهری به دلیل نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به شهر زنجان و تغییرات در کمیت و کیفیت فضا مساکن با شدت بیشتری به سوی تغییر کارکرد و گرایش به کارکرد زیستی داشته اند.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، توسعه روستایی، اعتبارات روستایی، استان زنجان.

* دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه زنجان.

** دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران. mahdicharaghi@yahoo.com

*** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

مقاله حاضر حاصل تحقیقات بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم لیلا اسلامی دانشجوی رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه زنجان با عنوان "تحلیل اثرات اقتصادی اعتبارات مقاوم سازی و نوسازی مسکن در نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان معجزات" می باشد.

مقدمه

مسکن به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه دارای ابعاد مختلف اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و فرهنگی است (سرتیپی پور، 1386: 2) که در جوامع بشری به عنوان سومین نیاز بعد از خوراک و پوشاک مطرح می‌شود. مسکن پاسخگوی یکی از نیازهای حیاتی است (Manoj P K: 2010, 178 و سرتیپی پور، 1388: 1 و زنجانی، 1371: 155 و تولون، 1374: 56) و از نظر اقتصادی از فعالیت‌های عمده آن به شمار می‌آید که بازتاب زیادی بر دیگر ابعاد حیات اجتماعی بشر دارد (زنجانی، 1371: 155) و در واقع مفهومی فراتر از سرپناه دارد (Domański, 2008, 235-240; Napp, 1982.35) مخبر، 1363: 27). مسکن روستایی نشان‌دهنده نوع فعالیت‌های گوناگون در ابعاد اقتصادی، نگرش اجتماعی و فرهنگی روستائیان و چگونگی تحول و استفاده تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است (سرتیپی پور، 1388: 16 و حسینی ابری، 1382: 28).

در این بین جوامع روستایی در زمینه مسکن و توسعه کالبدی همواره با مشکلات فراوانی مواجه بوده و هستند. بخش مهمی از این مشکلات کمبود یا نبود سرمایه و اعتبارات لازم (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 1386: 25 و حسن‌زاده و همکاران، 1385: 64 و مطیعی لنگرودی، 1389: 31) و مقاوم نبودن مسکن روستایی در برابر سوانح و مخاطرات طبیعی همچون زمین‌لرزه، سیل، رانش زمین، طوفان و نظایر این‌ها می‌باشد (رضوانی، 1390، 164). به گونه‌ای که با رخ دادن هر یک از این سوانح نه تنها دام، طیور، ساختمان‌ها و اسباب و لوازم درون آن‌ها، یعنی بخش مهمی از سرمایه‌های ملی از بین می‌رود بلکه مهم‌تر از آن، هستی سرمایه‌های انسانی یا ساکنان این گونه بناهای بی کیفیت نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد (شهبازی، 1389: 23).

براساس نتایج مطالعاتی که توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در خصوص وضعیت مسکن روستایی در ایران ارائه شده است، از کل مسکن روستایی کشور 33.6 درصد مسکن کم‌دوام، 37.2 درصد نیمه بادوام و 29.1 درصد بادوام محسوب می‌گردند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 1392، به نقل از رضوانی و همکاران، 1393: 4). فرسودگی و وجود برخی کاستی‌ها مانند تداخل فضاهای زیستی و معیشتی، که گاه باعث آلودگی مسکن است، تلاش برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، طراحی و اجرای درست مسکن روستایی را از دغدغه‌های همه دولت‌های پس از انقلاب کرده است (سرتیپی پور، 1388: 48).

از طرف دیگر در نظام زندگی روستایی علاوه بر تداخل کار و معیشت و سکونت، فضاهای سکونت و کار نیز تداخل دارند و محیط مسکن علاوه بر سکونت، انبار محصولات و وسایل، آغل دام، محل نگهداری ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و تولید صنایع دستی و خانگی نیز می‌باشد. به هر حال خصلت‌های تولیدی و معیشتی مسکن قسمتی از ساختار مسکن روستایی است که به آن وجه اقتصادی می‌دهد (مهندسان مشاور تدبیر شهر، 1383).

در طی چند دهه اخیر، اجرای برنامه‌ها و اقدامات متنوع توسط دستگاه‌ها و نهادهای مختلف از یکسو و روندهای نوجویی در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، زمینه دگرگونی‌هایی در محیط‌های روستایی شده است، هرچند این تحولات و دگرگونی‌ها اغلب منشأ برون‌زا دارند و به واسطه رخداد‌های بیرونی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی پدیدار شده و می‌شوند. با این حال، جلوه‌های گوناگون این دگرگونی‌ها به صور مختلف و در زمینه‌های متنوع، به ویژه ابعاد کالبدی تجلی یافته است (سعیدی، 1391: 3). از جمله این برنامه‌ها، اعطای اعتبارات مقاوم‌سازی

مبانی نظری

با توجه به وجود فقر مسکن در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه، امروزه بهسازی و نوسازی این مسکن جهت دسترسی روستاییان به بهداشت و رفاه بهتر، به یکی از مهم ترین سیاست های بهبود وضعیت روستاییان تبدیل شده است (plagerson, 2010,14). در طی سال های اخیر دولت ها، در کشورهای مختلف جهان، به علت آسیب پذیر بودن مسکن نواحی روستایی از خطرات طبیعی و همچنین ناتوانی مالی خانوارهای روستایی جهت نوسازی مسکن، برنامه های مختلفی را جهت نوسازی و بهبود کیفیت مسکن انجام می دهند (word bank, 2008,12). از مهم ترین برنامه های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مسکن در کشورهای در حال توسعه می توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. یکی از اهداف کلی اعطای اعتبارات بهبود وضعیت مسکن می باشد (shirazi, 2009,11). این اعتبارات شامل تدارک خدمات مالی متناسب و در حد استطاعت مالی خانوارهای فقیری است که به خدمات مالی ارائه شونده از سوی مؤسسات مالی متداول دسترسی ندارند (Merill, 2009:2 & Mathison, 2003: 2).

دافنیس اعتبارات مسکن را به عنوان خدمات مالی فراگیر تعریف می کند که به افراد فقیر و کم درآمد برای تأمین مالی نیازهای سکونتگاه خود از طریق روش های قرضه های کوچک امکان استفاده می دهد. (Daphnis, 2004 به نقل از Kihato, 2013:7). همچنین به عنوان تدارک اعتبار و دیگر خدمات مالی، تأمین معاش برای فقرا در مناطق روستایی، نیمه شهری و یا شهری تعریف شده است به طوری که آن ها را به ارتقای سطح درآمد و بهبود استاندارد زندگی خود قادر می سازد (Rao & Priyadarshini, 2013:28).

و نوسازی مسکن بوده است که در سطح گسترده و برای دستیابی به اصل سی و یکم قانون اساسی در نواحی روستایی کشورمان اجرا شده است، (مطیعی لنگرودی، 1386: 100) که موجب تحولات و دگرگونی هایی در عملکرد فضاهای مسکن شده است.

در بعد کالبدی و محیطی، استفاده از وام مسکن روستایی و رعایت محدودیت ها و الزامات آن که از طرف متولی وام تعیین می گردد به گونه ای است که کارکرد تولیدی مسکن روستایی را محدود می کند. از جمله این محدودیت ها سطح زیربنای کم، حذف فضاهای معیشتی از این مسکن و عدم پیش بینی نیازهای جانبی مسکن روستایی مثل انبار علوفه و محل نگهداری دام ها می باشد. با همه این مسائل و مشکلات ذکر شده، استفاده از تسهیلات مسکن روستایی دارای ابعاد مثبت زیادی نیز هست که از جمله می توان به استحکام و مقاومت مسکن در برابر حوادث طبیعی، بهبود شاخص های بهداشتی و ایجاد درآمد و اشتغال برای روستاییان به خصوص اقشار بی زمین و کارگران روستایی اشاره کرد (اردهانی و رستمعلی زاده، 1391: 69-70).

طی سال های اخیر در محدوده مورد مطالعه، اعتبارات مسکن در جهت مقاوم سازی و نوسازی مسکن در اختیار روستائیان قرار گرفته است. این اعتبارات عوارض مختلفی بر روی مسکن روستاهای مورد مطالعه داشته است. در همین راستا در تحقیق حاضر به بررسی اثرات این اعتبارات در کارکرد تولیدی مسکن در قالب پرسش های زیر پرداخته شده است:

1. آیا بین دریافت اعتبارات و کاهش کارکرد تولیدی مسکن رابطه معناداری وجود دارد؟
2. آیا بین گروه های شغلی و کارکرد تولیدی مسکن تفاوت معناداری وجود دارد؟

اعتبارات مسکن از دو دیدگاه دارای اهمیت اساسی می‌باشد. نخست آن‌که می‌تواند کمکی به تأمین تقاضای مؤثر برای ایجاد سرپناه و حل و فصل امور مالی خانواده‌های کم‌درآمد در کشورهای در حال توسعه باشد. دوم اینکه اعتبارات مسکن می‌تواند به توسعه کسب‌وکار مؤسسات مالی به‌ویژه مؤسسات اعتباری که مورد توجه خانواده‌های متوسط و کم‌درآمد است، کمک کند (Ferguson, 2004:3). همچنین اعتبارات مسکن به‌عنوان ابزار مالی برای حمایت از سرمایه‌گذاری در اجزای مسکن، از جمله خرید زمین و یا دسترسی، ارائه یا بهبود خدمات، ساخت و ساز کامل و یا افزایشی مسکن و نوسازی آن مطرح می‌باشد (Daphnis, 2004) به نقل از (Merill, 2009:2 & Kihato, 2013:7).

تغییرات در بعد مسکن، تغییرات در کارکردهای مسکن روستایی را در پی خواهد داشت. «تالکوت پارسونز»¹ مهم‌ترین نظریه‌پرداز کارکردی - ساختاری معتقد است که یک کارکرد «مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد» (ریترز؛ 1374: 131).

«هر خانه روستایی اولاً یک واحد خودکفا است و ثانیاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با نوع معیشت دارد، لذا برای امور مربوط به تولید، توزیع و مصرف، فضاهای متعدد را طلب می‌کند» (زرگر، 1386: 104). مساکن روستاییان استراحتگاه و محل زندگی خانوادگی و همچنین تأمین‌کننده اهداف اقتصادی آنان می‌باشند. البته نوع آرایش درونی مساکن روستاییان در سراسر جهان با توجه به شرایط جغرافیایی ناحیه‌ای عمدتاً با یکدیگر تفاوت دارند (بهفروز، 1374: 252).

کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی، به‌طور کلی به دو جنبه بنیادی بستگی و ارتباط دارند: نخست، ساختار کالبدی و اجتماعی - اقتصادی روستا و دیگر، اهداف

متصور بر اجتماع روستاییان. بر این مبنا کارکرد، مبین مجموعه فعالیت‌ها و دامنه ارتباطی سکونتگاه است. بدین ترتیب این کارکردها به نحوه برخورد و نوع و دامنه فعالیت گروه‌ها و جماعت‌های روستایی به‌منظور پاسخگویی به نیازهای گوناگون خود باز می‌گردد (سعیدی، 1388: 249).

مساکن روستایی از جنبه‌های گوناگون با مساکن شهری متفاوت است و دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون می‌باشد. این مساکن فضاهای لازم برای زندگی، کار و فعالیت، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات، اجرای مراسم و مانند آن‌را مهیا می‌سازند. به‌طور کلی کارکردهای مختلف مساکن روستایی به 3 دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از کارکردهای زیستی، کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی) و کارکردهای تدارکاتی. هر یک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به‌خود اختصاص می‌دهند (سعیدی و امینی، 1389: 32-33). محیط زیست انسانی و زندگی اجتماعی سنتی تأثیر زیادی در ترتیب کارکردی فضاهای مختلف در مسکن دارد (Mera, 2011:300).

همچنین مسکن روستایی برخلاف مسکن شهری، به اقتضای معیشت خانوار، از لحاظ تولید و اشتغال برای خانواده روستایی حائز اهمیت است. چنین عملکردی می‌تواند مسکن را به‌عنوان یکی از اهرم‌های توسعه اقتصادی در خدمت تولید قرار دهد. همچنین این‌گونه فعالیت‌ها بافت روستاها را نیز براساس نوع یا ترکیب فعالیت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد (سرتیپی‌پور، 1388: 67).

فضاهای مربوط به نگهداری و بهره‌برداری از دام، قسمت عمده‌ای از فضاهای مساکن روستایی را به‌خود اختصاص می‌دهد. بدون تردید مسکن در هر منطقه، از

روستا و برقراری جریان‌های گوناگون از جمله جریان افراد، نوآوری و اطلاعات، دگرگونی‌های دامنه‌داری در سطح سکونتگاه‌های روستایی پدیدار شده است (سعیدی و امینی: 1389: 32). از جمله این دگرگونی‌ها، تغییر شکل و فضا‌بندی مسکن روستایی و به تبع آن، تحول کارکردی آن‌هاست.

با عنایت به پیوستگی ساختاری-کارکردی نظام‌های مکانی-فضایی، می‌توان انتظار داشت تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظام‌وار، به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد (سعیدی، 1390: 13).

به‌طور کلی عوامل تغییر ریخت و بافت کالبدی روستاها و مسکن روستایی و به تبع آن تحول کارکردهای آن‌را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- عوامل اقتصادی: گرانی مسکن و جذابیت بالای مسکن به عنوان کالای سرمایه‌ای، تغییر شیوه اجرا و نوع مصالح و تغییر در نحوه مالکیت اراضی زراعی؛

- سیاست: اجرای سیاست‌ها و طرح‌های هادی و بهسازی محیط‌های روستایی به تقلید از فضای شهری؛
- عوامل فرهنگی: غلبه فرهنگ و الگوی زندگی و معیشت شهرنشینی در روستاها، ورود تکنولوژی و ماشین‌آلات جدید تولید به روستاها که سبب استقلال مالی خانواده‌ها و افزایش درآمد آن‌ها گردیده است؛

عوامل اجتماعی: تغییر نظام خانواده (از گسترده و پدرسالار به هسته‌ای و تک خانواده)، مجاورت مکانی روستاها به شهر و در پی آن مهاجرت‌ها و رفت‌وآمدهای مداوم به شهر، فقر، بیکاری و غیره.

در ارتباط با موضوع تحقیق، تحقیقات متفاوتی انجام شده است که به برخی از آن‌ها در جدول شماره 1 اشاره می‌گردد.

اقتصاد آن و به‌ویژه از شیوه‌های تولید مردمان آن تأثیر می‌پذیرد. هر یک از شیوه‌های تولید زراعی و دامداری و صنایع دستی نیازهای خاص خود را دارند و سازندگان مسکن ناگزیر به مراعات آن‌ها می‌باشند. (نبردی، 1376: 119-112). وجود اتاق، طویله، انبار و کاهدان در مسکن نشان‌دهنده نوع فعالیت اقتصادی مسکن است (پاسوری، 1389: 119-120). علاوه بر این در بسیاری از مسکن روستایی، علاوه بر محل انبار گندم، فضاهایی به نگهداری از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل تراکتور، خرمن‌کوب، سموم دفع آفات نباتی و... اضافه شده است و در روستاهایی که باغداری رونق زیادی دارد محلی نیز به نگهداری میوه اختصاص می‌یابد (نیک‌پور، 1388: 45).

روستاییان برای فضاهای اتاق و فضاهای وابسته به امور مختلف، بسته به فعالیت‌های روزانه، روش زندگی و منابع مالی خود نیازهای متفاوتی دارند (Mera, 2011: 302). معمولاً در آن نواحی روستایی که محدودیت آب و خاک دارند خانوارهای روستایی می‌کوشند از طریق پرداختن به فعالیت‌های جانبی (صنایع دستی) تا حدودی در رفع بیکاری خود تلاش کرده، درآمدی برای امرار معاش خود کسب نمایند، اما اغلب کارگاه‌های مربوطه در داخل مسکن روستایی مستقر است (نیک‌پور، 1388: 45).

این عملکردها با گسترش شهرنشینی در کشور و ترویج الگوهای زندگی شهری در روستاها در دهه‌های اخیر به تدریج با تغییراتی همراه بوده‌اند، به گونه‌ای که عملکردهای دامی و کشاورزی در واحدهای مسکونی روستایی کاهش یافته و استقلال فضایی این عملکرد با عملکرد مسکونی و معیشتی با هدف افزایش بهداشت در حال افزایش است (بدری و موسوی، 1389: 5). به عبارتی دیگر امروزه با گسترش دامنه روابط شهر و

نام پژوهشگر (سال)	نام منبع	نتایج و پیشنهادها
سرنیواسا راا و پریادارشینی ² (2013)	اعتبارات خرد و اعتبارات روستایی: آیا منبعی جایگزین برای اعتبارات روستایی وجود دارد؟	این مطالعه در پی یافتن تأثیر برنامه اعتبارات در فقر، وام‌دهندگان، توانمندسازی زنان و استانداردهای زندگی افراد فقیر روستایی است.
منوج.پ.ک ³ (2010)	«چشم‌انداز و مشکلات اعتبارات خرد مسکن در هند: مدارک و شواهد از «هوانشیر» پروژه در ایالت کرالا»	چند استراتژی برای رشد سریع اعتبارات خرد مسکن در هند برای توسعه مسکن سریع در کشور را نشان می‌دهد و در نتیجه توسعه اقتصادی ملی را پیشنهاد می‌کند.
وتری ول و کومار مانگلم ⁴ (2010)	«نقش موسسه‌های اعتبارات خرد در توسعه روستایی»	اعتبارات ارائه شده از سوی شرکت مالی توسعه مسکن ⁵ در کشور هند موجب بهبود نیاز به مسکن خوب و بهتر و همچنین زندگی در محیط بهتر برای گروه‌های نا برخوردار در نواحی روستایی و شهری از طریق جلب همکاری بانک‌های محلی شده است.
توشیو کوندو و همکاران ⁶ (2007)	«تأثیر اعتبارات خرد در خانوارهای روستایی در فیلیپین»	اعتبارات خرد، برخلاف اثر مثبت و قابل توجه در درآمد و هزینه، اثر کاهنده‌ای در خانواده‌های فقیر به دلیل ناکافی بودن هزینه و در دسترس بودن وام برای انتخاب فعالیت‌های سازنده‌تر برای بازپرداخت وام و کسب درآمد داشته است.
مارک اسکات ⁷ (2007)	«مسکن روستایی: سیاست‌های عمومی و برنامه‌ریزی»	برخی سیاست‌های نادرست در زمینه مسکن روستایی ایرلند وجود دارد و در نهایت بر ارائه مسکن پایدار تأکید می‌کند.
سعیدی و همکاران (1392)	«نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی، مورد روستاهای شهرستان ایچرود استان زنجان»	اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی، دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی را کاسته و ساخت مساکن جدید با سبک معماری شهری و همچنین منجر به دگردیسی در فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی شده که این امر کاهش فعالیت‌های خانوارهای روستایی و تمایل آن‌ها جهت کار در بخش خدمات را به همراه داشته است.
صدیایی و قاسمیان (1391)	«بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی مورد روستای گرجی محله شهرستان بهشهر»	تغییر دیدگاه‌های اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات و به عبارتی تحولات اقتصادی و اجتماعی منبعث از تغییر مناسبات شهر و روستا، به صورت مجموعه‌ای مرتبط با یکدیگر در تغییرات کاربری مؤثر بودند.
سعیدی و احمدی (1390)	«شهرداری و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی موردی روستاهای پیرامون شهر زنجان»	در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها به شرط امکان دسترسی، شدت تحول به دلیل نزدیکی به کانون‌های نوآوری و تحول بیشتر بوده است. روستاها و عناصر کالبدی آن‌ها دچار تغییر و تحول شده و تحول در شکل و کارکرد مساکن روستایی پیرامون شهرها از جمله این دگرگونی‌هاست.
محمدی یگانه و همکاران (1389)	«نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی»	اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را هم در بعد اقتصادی و شاخص‌های آن داشته است.

ج 1. برخی از مطالعات موجود در زمینه اعتبارات مسکن روستایی و کارکردهای مسکن روستایی.

روش تحقیق با توجه به پرسش‌های تحقیق، روش تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع، کاربردی و همچنین نگرش حاکم بر تحقیق، به صورت سیستمی-ساختاری است. در تحقیق حاضر به منظور تحلیل اثرات

اعتبارات مقاوم‌سازی و نوسازی مسکن بر کارکرد تولیدی مساکن روستایی با استفاده از گویه‌های عینی و ذهنی، کارکردهای تولیدی مسکن خانوارهای دریافت‌کننده اعتبارات، قبل و بعد از مقاوم‌سازی مسکن مورد بررسی قرار گرفته است (جدول شماره 2).

شاخص‌ها	شاخص
نگهداری دام - نگهداری و پرورش طیور - انبار علوفه و مواد غذایی - کارگاه صنعتی و دستی (رشته‌بری و ...) - تولید برخی میوه‌ها و سبزیجات - تهیه مواد لبنی - آماده‌سازی مواد غذایی - تبدیل برخی مواد خوراکی (خشک‌کردن، شور کردن، کمپوت کردن و ...) - پخت غذا برای کارگران (نیروی کار مزرعه خانوادگی) - ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت‌های تولیدی - تهیه فراورده‌های دامی - تهیه سوخت از فضولات دامی - امکان مشارکت زنان در کارهای کشاورزی	کارکردهای تولیدی مسکن

ج 2. شاخص‌های به کار رفته در تحقیق.

پاسخگویان زن و 11.7 درصد فاقد سواد، 47.2 درصد دارای سواد ابتدایی، 28.1 درصد دارای سواد دوره راهنمایی و دبیرستان، 8.3 درصد دیپلم و 4.8 درصد هم بالاتر از دیپلم تحصیلات داشته‌اند. از نظر اشتغال 3.5 درصد در بخش دولتی، 37.7 درصد در بخش کشاورزی، 1.3 درصد در بخش دامداری، 9.5 درصد در بخش صنعت و 44.6 درصد هم در بخش خدمات مشغول کار و 3.5 درصد فاقد شغل بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد منبع درآمد 21 درصد خانوارها بعد از دریافت اعتبارات از بخش کشاورزی کاهش یافته و به بخش‌های صنعت و خدمات اضافه شده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد همه کاربری‌ها بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن کاهش داشته‌اند که بیشترین آن‌ها شامل کاربری‌های نگهداری و پرورش طیور، کارگاه صنعتی و دستی (رشته‌بری و ...) و تولید برخی میوه‌ها و سبزیجات می‌باشد.

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی وضعیت کارکردهای تولیدی مسکن روستایی قبل و بعد از مقاوم‌سازی مساکن نشان می‌دهد بیشترین تأثیر را در مؤلفه‌های نگهداری و پرورش طیور و تهیه مواد لبنی و کمترین تأثیر را در مؤلفه‌های انبار علوفه و مواد غذایی و آماده‌سازی مواد غذایی داشته است (جدول شماره 3).

جامعه آماری تحقیق حاضر 811 خانوار دریافت‌کننده اعتبارات در دوره زمانی 1384-1392 و در 8 روستای دهستان معجزات شهرستان زنجان است. با توجه به عدم امکان مطالعه تمام خانوارها با توجه به داشتن نقشه منطقه و روستاها از روش نمونه‌گیری شماتیک استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 231 خانوار محاسبه گردید. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی، با بهره‌گیری از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه می‌باشد، پرسشنامه از پرسش‌های بسته با پاسخ‌هایی در طیف لیکرت پنج مقیاس تشکیل شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از دو روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T جفت شده و کروסקال والیس) استفاده شده است. همچنین جهت سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شده که مقادیر آن برای کارکرد-تولیدی مسکن قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن به ترتیب 0.967 و 0.959 درصد به‌دست آمده است.

بحث و یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد از بین 231 نمونه 96.1 درصد پاسخگویان مرد و 3.9 درصد

مؤلفه		قبل از دریافت اعتبارات		بعد از دریافت اعتبارات	
گویه		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگهداری دام		4.29	2.047	3.99	2.178
نگهداری و پرورش طیور		3.72	1.859	3.01	1.716
انبار علوفه و مواد غذایی		3.87	1.911	3.68	1.945
کارگاه صنعتی و دستی (رشته‌بری و ...)		4.77	2.008	4.23	2.210
تولید برخی میوه‌ها و سبزیجات		4.34	2.149	3.80	2.265
تهیه مواد لبنی		4.27	2.058	3.72	2.143
آماده‌سازی مواد غذایی		4.45	1.959	4.20	2.045
تبدیل برخی مواد خوراکی (خشک‌کردن، شور کردن، کمپوت کردن و ...)		4.82	1.860	4.51	1.924
پخت غذا برای کارگران (نیروی کار مزرعه خانوادگی)		4.87	1.790	4.46	1.878
ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت‌های تولیدی		4.63	1.976	4.14	2.143
تهیه فراورده‌های دامی		4.60	2.051	4.21	2.246
تهیه سوخت از فضولات دامی		4.27	2.248	4.01	2.372
امکان مشارکت زنان در کارهای کشاورزی		4.63	1.972	4.21	2.011

ج 3. کارکردهای تولیدی مسکن قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن.

یافته‌های پژوهش در ارتباط با تحولات مسکن در محدوده مورد مطالعه و در شاخص‌هایی چون مساحت مسکن و تعداد اتاق‌ها قبل و بعد از نوسازی نشان‌دهنده ایجاد تغییرات گسترده این مسکن و در ابعاد یادشده هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در خصوص مسکن روستایی از نظر مساحت، قبل از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی، مساحت کمتر از 100 متر با بیشترین میزان فراوانی برابر با 44.6 درصد برای هر واحد مسکونی در محدوده مورد مطالعه بوده است. این در حالی است که این میزان بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن روستایی، برابر با 62.8 درصد شده است. بدین‌صورت اکثر مسکن جدید با کاهش میزان مساحت خود روبرو هستند. شهرگرایی، غلبه فرهنگ شهری، مصرف‌گرایی، حذف فضاهای متعدد تولیدی - تدارکاتی از مسکن و تبدیل واحد مسکونی، تنها به واحد زیستی - استراحتگاه و از سویی کافی نبودن میزان تسهیلات و اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن، رعایت محدودیت‌ها و الزامات از طرف متولی اعتبارات و گرانی مصالح ساختمانی روستاییان را مجبور به کاهش زیربنای مسکن خود نسبت به گذشته نموده است.

در ارتباط با تعداد اتاق‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قبل از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن میانگین تعداد اتاق‌ها در محدوده مورد مطالعه برابر با 1.70 اتاق در هر واحد مسکونی بوده است که بعد از دریافت اعتبارات این رقم به 1.07 اتاق کاهش پیدا کرده است. بدین‌صورت که در روستاهای مورد مطالعه تنورخانه که برای پخت نان و تهه فرآورده‌های دامی و کشاورزی بوده است در مسکن نوساز حذف شده است. همچنین کارگاه‌های صنعتی و دستی همچون کارگاه تولید فرش دستباف و رشته‌بری و ... و یا انبار کردن علوفه بر پشت‌بام‌ها و یا در داخل مسکن، به دلیل

ماهیت و کارکرد طرح مقاوم‌سازی، جایگاهی در این مسکن ندارند.

در ادامه بررسی یافته‌های توصیفی تحقیق، به ارزیابی وضعیت کارکرد تولیدی مسکن روستایی در دوره‌های قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد در میزان کارکرد تولیدی بالاترین میانگین و انحراف معیار مربوط به مسکن در زمان قبل از دریافت اعتبارات می‌باشد (جدول شماره 4).

شاخص	میانگین	انحراف معیار
کارکرد تولیدی مسکن قبل از دریافت وام	4.43	1.69
کارکرد تولیدی مسکن بعد از دریافت وام	4.01	1.71

ج 4. میانگین و انحراف کارکرد تولیدی مسکن قبل و بعد از دریافت اعتبارات. منبع: یافته‌های تحقیق.

جهت بررسی نقش اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن در تحول کارکرد تولیدی مسکن، آزمون t وابسته مورد استفاده قرار گرفت. هر دو متغیر به‌صورت جفت و وابسته و در سطح فاصله‌ای بوده و توزیع داده‌ها به‌صورت نرمال است. با توجه به جدول شماره 5 و با استناد به مقدار t ، با اطمینان 99 درصد می‌توان گفت که بین میانگین میزان کارکرد تولیدی در زمان قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن، اختلاف معناداری وجود دارد و میزان کارکرد تولیدی مسکن در زمان پس از دریافت وام کاهش یافته است.

در ادامه تحقیق برای بررسی وضعیت کارکرد تولیدی مسکن و به تفکیک گروه‌های شغلی بعد و قبل از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون کروسکال والیس پرداخته شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد،

تفاوت معناداری از نظر میانگین رتبه‌ای گروه‌های شغلی دریافت اعتبارات بیشترین تغییر را در کارکرد مساکن وجود دارد و گروه شغلی دامدار و کشاورز بعد از خود داشته‌اند (جدول شماره 6).

تعداد	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری	فاصله اطمینان 95%	
						حد پائین	حد بالا
231	4.43	1.69	230	6.240	0.000	0.28	0.54
231	4.01	1.71	230				

ج 5. تحلیل میزان کارکرد تولیدی و اقتصادی قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مساکن.

گروه‌های شغلی	تعداد	میانگین رتبه‌ای	کای اسکور		معناداری	
			قبل از نوسازی	بعد از نوسازی	قبل از نوسازی	بعد از نوسازی
دولتی	8	120.81	31.961	100.969	0.000	0.000
	8	138.25				
کشاورزی	87	90.14				
	87	62.96				
دامداری	3	193				
	3	101				
صنعت	22	96.32				
	22	107.18				
خدماتی	103	137.79				
	103	158.16				
بیکار	8	137.12				
	8	157.62				
جمع		231	-			

ج 6. وضعیت کارکردهای مساکن به تفکیک گروه‌های شغلی مورد نظر قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم‌سازی مساکن. منبع: یافته‌های تحقیق.

مصالح غیربومی، عدم پیش‌بینی نیازهای جانبی مساکن روستایی مثل انبار علوفه و محل نگهداری دام‌ها و تغییر نظام خانواده موجب تحول کارکرد تولیدی مساکن در روستاهای مورد مطالعه شده است و فضاهایی چون آغل و طویله، انبار علوفه و ... در اجزای مساکن حذف شده است. این عوامل در کنار تمایل شدید روستاییان به الگوبرداری از مساکن شهری منجر به تغییر اشتغال از بخش کشاورزی به فعالیت‌های خدماتی شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گسترش دامنه روابط شهر و روستا و برقراری جریان‌های گوناگون و رعایت محدودیت‌ها و الزامات از طرف متولی وام از جمله محدودیت‌های سطح زیربنا پایین بودن سقف این وام‌ها، فقدان توانایی مالی روستاییان، کافی نبودن میزان مبلغ اعتبارات باوجود گرانی مصالح و بالا بودن مخارج حمل و نقل مصالح از شهر به روستاها، گسترش سبک و الگوبرداری از معماری شهری و بهره‌گیری از

نتیجه

با بررسی فضاهای موجود در مساکن روستایی دهستان معجزات، بیشترین فضای مساکن روستایی، بعد از اجرای طرح مقاوم سازی مسکن و همراه با مدرن شدن مساکن روستایی به تبعیت از سبک و الگوی مسکن شهری به دلیل نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به شهر زنجان و تغییرات در کمیت و کیفیت فضا (کاهش مساحت مسکن و کاهش تعداد اتاق ها از 1.70 به 1.07 اتاق)، از کارکرد تولیدی، تغییر و به کارکرد زیستی گرایش داشته اند. در نتیجه عدم توجه به ویژگی ها و کارکرد و ساختارهای موجود در مسکن، در آینده موجب تحولات منفی شدیدی خواهد شد.

یافته های تحقیق با استفاده از آزمون T جفت شده نشان می دهد که بین میانگین میزان کارکرد تولیدی در زمان قبل و بعد از دریافت اعتبارات مقاوم سازی مسکن، اختلاف معناداری وجود دارد و میزان کارکرد تولیدی مساکن یا آماره t برابر با 6.240 در زمان پس از دریافت وام کاهش یافته است.

بررسی وضعیت کارکرد تولیدی مسکن و به تفکیک گروه های شغلی بعد و قبل از دریافت اعتبارات مقاوم سازی مسکن با استفاده از آزمون کروسکال والیس نشان می دهد که گروه های شغلی دامدار و کشاورز بیشترین تغییرات را در کارکرد مساکن خود داشته اند، با توجه به مصاحبه های انجام شده، روستائیان علت پایین بودن درآمد خود را مسائل و مشکلات مربوط به حوزه اقتصاد عنوان کرده و اعتقاد دارند منابع درآمدی آن ها به علت پایین بودن سطح درآمد و حذف کارکرد تولیدی مسکن و نبود امکانات زیستی لازم در ایجاد فرصت های شغلی، توان نوآوری شغلی و توان پس انداز کردن در سطح پایینی قرار داشته و حتی استفاده از اعتبارات مقاوم سازی مسکن هم نتوانسته است تأثیر

چندانی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. همچنین آن ها معتقدند که به دلیل نبود سرمایه کافی در ایجاد منابع درآمدی متنوع، توان کافی برای بهبود وضعیت درآمد خود ندارند. به گونه ای که برخی از مساکنی که از اعتبارات مقاوم سازی مسکن روستایی استفاده کرده اند، به دلیل گرانی مصالح و نبود درآمد کافی نیمه ساخته مانده اند. راهکارهای پیشنهادی آن ها افزایش سقف اعتبارات مسکن و بازنگری در الزامات و محدودیت های طرح مقاوم سازی مسکن و توجه به فضاهای کار و تولید در پلان های طراحی شده توسط بنیاد مسکن می باشد. همچنین جهت بهبود وضعیت درآمد خود، راهکارهایی چون سرمایه گذاری های خصوصی یا دولتی در بخش صنایع کوچک، حمایت از صنایع دستی و امکان مشارکت زنان در کارهای تولیدی را پیشنهاد می دهند. از دیدگاه آنان وجود عناصری چون محل نگهداری دام و پرورش طیور، انبار علوفه، محل تهیه فراورده های دامی و تبدیل برخی مواد خوراکی، محل ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت های تولیدی و دسترسی خانواده به خدمات اجتماعی و بهداشتی در مسکن می تواند در بهبود وضعیت معیشت مؤثر باشد. اکثر مصاحبه شوندگان، مشکل اساسی ارائه اعتبارات مقاوم سازی و نوسازی مسکن را پایین بودن سقف این اعتبارات و مرحله ای بودن پرداخت اعتبارات و رفت و آمدهای پی در پی به شهر برای دریافت آن می دانند.

در راستای این پژوهش و متناسب با نتایج حاصله از آن و همچنین مشکلاتی که روستائیان به آن اشاره نموده اند، پیشنهادهایی ارائه می گردد:

- توجه به ابعاد فضاهای مورد نیاز خانوارهای روستایی در طراحی پلان ها؛
- توجه به الگو و معماری بومی در مساکن جدید از طریق به کارگیری مصالح ساختمانی بومی؛

دریافت تسهیلات اعتباری مسکن روستایی با تأکید بر عوامل مکانی - فضایی مورد: سکونتگاه‌های بخش وراوی - شهرستان مهر، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 147، پاییز 1393، صص 3-16.

- ریتزر، جرج. (1374)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

- زرگر، اکبر. (1386)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- زنجانی، حبیب‌الله. (1371)، جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- سرتیپی‌پور، محسن. (1386)، مسکن روستایی در مالزی، اندونزی و برونزی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن - شماره 118، صص: 24-33.

- سرتیپی‌پور، محسن. (1388)، بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، نشریه صفا، سال نوزدهم، شماره 49، صص 47-61. سعیدی، عباس؛ امینی، فریبا. (1389)، ناپایداری سکونتگاه و تحول کارکردی مسکن روستایی، (مورد مطالعه: روستا خفر، ناحیه نطنز - بادرود)، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال هشتم، شماره 27، صص 29-43.

- سعیدی، عباس. (1391)، پویای ساختاری - کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول، شماره 1، صص 1-18.

- سعیدی، عباس. (1390)، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.

- سعیدی، عباس؛ احمدی، منیژه. (1390)، شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره 31، زمستان 1390، صص 7-32.

- سعیدی، عباس؛ طالشی، مصطفی؛ رابط، علیرضا. (1392)، نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی، روستاهای شهرستان ایجرود استان زنجان فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران دوره جدید، سال یازدهم، شماره 38، پاییز 1392، صص 5-31.

- شهبازی، اسماعیل. (1389)، درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- طراحی الگوی بومی مسکن نواحی روستایی قبل از دادن اعتبارات مقاوم سازی؛

- بازننگری در الزامات و محدودیت‌های طرح مقاوم‌سازی مسکن و توجه بیشتر به ابعاد کیفی مسکن.

پی‌نوشت

1. Talkut parsunz
2. Srinivasa Rao & Priyadarshini
3. Manoj P K
4. S.C.Vetrivel & S. Chandra Kumarmangalam
5. Housing Development Finance Corporation
6. Toshio Kondo, Aniceto Orbeta, Jr, Clarence Dingcong and Christine Infantado
7. Scott, Mark

فهرست منابع

- بدری، سید علی؛ موسوی، سیروس. (1389)، تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌ها مسکن روستایی در ایران (مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام ICIWG)، صص 1-14.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان مهر. (1392)، بخش آمار و اطلاعات، آمار دریافت‌کنندگان تسهیلات اعتباری مسکن روستاییان بخش وراوی.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (1386)، گزارش بهسازی مسکن - بهروز، فاطمه. (1374)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.

- تولون، ب. (1374)، جغرافیای سکونت «سکونتگاه‌های روستایی»، ترجمه محمد مظاهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز، تبریز.

- حسن‌زاده، علی؛ ازوجی، علاء‌الدین؛ قویدل، صالح. (1385)، بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری درآمدی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره 21، صص 45-69.

- حسینی ابری، سید حسن. (1382)، مداخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.

- رضوانی، محمدرضا. (1390)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، قومس.

- رضوانی، محمدرضا، رستگار، ابراهیم. ناصر، بیات. خالد دارستان (1393)، شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای

- K Napp I. (1982), Housing Problems in Third World, University of Stuttgart.
- Kihato, Michael. (2013), State of Housing Microfinance in Africa, A report commissioned by the centre for affordable housing finance in Africa, A Division of the FinMark Trust. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2384688>
- Manoj P K. (2010), Prospects and Problems of Housing Microfinance in India: Evidence from "Bhavanashree" Project in Kerala State: European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences- Issue 19.
- Mathison, Stuart (2003), "Microfinance and disaster management". Retrieved 14 August 2009.
- Merrill, S. 2009, Microfinance for Housing: Assisting the "Bottom Billion" and the "Missing Middle", Urban Institute Center on International Development and Governance (IDG) Working Paper No-05.
- Mera, G.C. (2011), rural structures in the tropics: design and development.
- Srinivasa Rao .P. Y.J.Priyadarshini. (2013), Microfinance and Rural Credit: Is it an Alternative Source of Rural Credit. International Journal of Humanities and Social Science. Volume 2 Issue 3.March. 2013. PP.28-39.
- Plagerson, Sophie, Trudy Harpham, Angela Mathee.(2010), Poor housing, good health: comparison of formal and informal housing in Johannesburg, South Africa. Swiss School of Public Health, p1-9.
- S.C.Vetrivel & S. Chandra Kumarmangalam. (2010), ROLE OF MICROFINANCE INSTITUTIONS IN RURAL DEVELOPMENT. International Journal of Information Technology and Knowledge Management. July-December 2010, Volume 2, No. 2, pp. 435-441.
- Sally R. Merrill. (2009), Microfinance for Housing: Assisting the "Bottom Billion" and the "Missing Middle".IDG Working Paper No. 2009.pp 1-5.
- Scott, Mark. (2007), Rural Housing: politics, public policy and Planning: Housing Contemporary Ireland, Volume I, pp: 344-363.
- SHIRAZI, shah. (2009), role of Pakistan poverty alleviation fund's micro credit in poverty alleviation, A Case of Pakistan, Pakistan Economic and Social Review, Pakistan Economic and Social Review, Volume 47, No. 2.
- Toshio Kondo, Aniceto Orbeta, Jr, Clarence Dingcong and Christine Infantado. (2007), Impact of Microfinance on Rural Households in the Philippines, IDS Bulletin, Volume 39, Issue 1, pages 51-70.
- World Bank. (2008), Housing Reconstruction in Urban and Rural Areas.
- صیدایی، سید اسکندر؛ قاسمیان، زری. (1391)، بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی نمونه موردی: روستای گرجی محله، شهرستان بهشهر، استان مازندران مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره اول، تابستان 1391. صص 87-106.
- قاسمی اردهانی، علی؛ رستمعلی زاده، ولی‌الله. (1391)، اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 139، صص 67-83.
- محمدی یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی؛ عباسی، جواد؛ تاراسی، زهرا. (1389)، نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان زنجان، دهستان معجزات، مسکن و محیط روستا: بهار 1392، دوره 32، شماره 141؛ صص 99-108.
- مخبر، ع. (1363)، ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن. (1386)، جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ بخشی، زهرا. (1389)، نقش اعتبارات مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیهق، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره 72- صص 31-46.
- مهندسان مشاور تدبیر شهر (1383)، کاربرد روش‌های پویایی‌شناسی در شناخت قابلیت‌های توسعه درون‌زا در جوامع شهری و روستایی، سمینار توسعه ناحیه محور، دفتر برنامه توسعه ملل متحد در ایران.
- نبردی، اسد. (1376)، مسکن و نقش آن در توسعه روستایی شهرستان شاهن دژ، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نیک‌پور، فوزیه. (1388)، تحلیل برنامه‌ریزی مسکن روستایی و نقش آن در عمران و توسعه روستاها، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه زنجان.
- یاسوری، مجید. (1389)، مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی (با تأکید بر بخش کشاورزی، انتشارات قدس رضوی.
- Domański, H. (2008), Housing conditions, in: J. Alber, T. Fahey and C. Saraceno, C. (Eds) Handbook of Quality of Life in the Enlarged European Union. London: Routledge, Pp 235-53.